

گزارش کار و مالی کارزار ایران تریبونال از ابتدا تا برگزاری مرحله اول دادگاه در لندن (۱۸ تا ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۲)

پنج سال پیش، اواخر شهریور ۱۳۸۶ برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از اعضای خانواده های جان سپردگان دهه شصت و جان بدربرندگان از کشتار زندانیان سیاسی در این دهه، که در اردوئی تابستانی در یکی از جزایر اطراف شهر استکهلم شرکت بوده بودند، کارزاری را برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، با یاری و همراهی فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی آغاز کردند. در بدو امر می دانستیم که می خواهیم رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت محاکمه کنیم اما تصویر روشنی از چگونگی انجام این کار نداشتیم. چهار ماه، از سپتامبر ۲۰۰۷ تا ژانویه ۲۰۰۸، مسائل و طرح های زیادی را در جلساتی که هر سه هفته یک بار برگزار می کردیم مورد بحث و بررسی قرار دادیم. به دنبال این مباحثات، جمع از میان خود کمیسیونی متشکل از شش نفر را مسئول تحقیق و کارشناسی در این زمینه کرد. این کمیسیون کار خود را با همکاری یدالله بیگلری، حقوقدان سرشناس کرد و از فعالان چپ کرد در استکهلم آغاز کرد و هیئت سه نفره ای متشکل از وی، بابک عماد و کلاس فورسبری (Cleas Forsberg) حقوقدان سرشناس سوئدی و دبیر حقوقدانان بدون مرز سوئد که از وی برای همکاری دعوت شده بود، تشکیل شد. این هیئت، طی چندین دیدار و تماس تلفنی به طور جمعی با جدا جدا، موارد حقوقی و ابزارهایی را که کارزار می توانست برای رسیدگی به اعدام های دهه شصت مورد استفاده قرار دهد، مورد بحث و گفتگو قرار دادند. در ادامه تحقیقات، یدالله به دلیل گرفتاریهای شغلی، بیشتر نقش مشورتی یافت و خانم اولریکا بوری (Ulrik Borg)، یکی دیگر از اعضای حقوقدانان بدو مرز سوئد به هیئت کارشناسی پیوست. این هیئت نتایج کار و تحقیقات خود را بعد از شش ماه در جلسه ای به جمع کارزار ارائه داد. بر پایه تحقیقاتی که هیئت انجام داد، هیچ نهاد حقوقی رسمی محلی و بین المللی حاضر به طرح دعوی علیه جمهوری اسلامی نبود و اعلام کرد تنها راه برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، تشکیل یک تریبونال بین المللی است. کلاس، معتقد بود اگر کارزار بخواهد دادگاهی از این دست با موفقیت برگزار کند، پیش از هراقدام دیگری باید یک تیم حقوقی بین المللی متشکل از حقوقدانان سرشناس جهانی تشکیل دهد.

حقوقدانان بدون مرز سوئد، تجارب ارزشمند حقوقی به کارزار دادند. آنها، در یک مورد از فعالیت های بین المللی خود، از دادگاه راسل برای تشکیل یک تریبونال برای محاکمه دولت سوئد به جرم نقض قوانین پناهندگی ایده گرفته بودند. اما با قانون مندی های کاملاً متفاوت و متناسب با موضوع کار دادرسی شان. از این رو، به کارزار پیشنهاد برگزاری یک تریبونال را دادند.

کارزار، بعد از یک سال بحث و بررسی و تحقیق در زمینه دادگاه های غیردولتی، تصمیم گرفت با دادگاه راسل تماس بگیرد. یک تیم دو نفره، به سرپرستی بابک عماد، موفق شد در اکتبر سال ۲۰۰۸ با دادگاه راسل تماس بگیرد. بعد از دو نشست و سه ماه رایزنی با مسئولان دادگاه راسل در رم و لندن و قول و قرارهای اولیه، مسئولان این دادگاه به رای برابر برای تشکیل دادگاهی در رابطه با کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت در ایران نرسیدند. از بی نتیجه ماندن تلاش کارزار برای فعال کردن دادگاه راسل برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در ایران، کارزار تصمیم گرفت خود راسا دادگاهی با ایده دادگاه راسل برگزار کند. مسلم بود، موضوع کار ما با دادگاه راسل تفاوت می کرد و لازم بود دادگاهی برگزار کنیم که متناسب با موضوع کارمان باشد. به همین دلیل نیز ابتدا می باید نامی برای این پروژه انتخاب می کردیم، که بعد از پیشنهادات و مباحث زیادی، مجمع عمومی کارزار نام "ایران تریبونال" را از میان اسامی پیشنهادی، انتخاب کرد و دهه شصت به عنوان خونین ترین دهه در دوران حکومت جمهوری اسلامی، به دهه خونین نامگذاری شد.

کارزار می باید، قانونمندی های خود را بر طبق معیارهای حقوقی موجود در جهان، مشخص می کرد. برای اینکار ابتدا باید مشخص می کرد، که مبنای حقوقی کشتار زندانیان سیاسی در ایران شامل کدام یکی از قوانین حقوقی می شود. بررسی های کارشناسانه در این باره، مباحث در کارزار را حول دو مشخصه حقوقی "نسل کشی" و "جنایت علیه بشریت" شکل داد. نتیجه مباحثات این شد که کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت مصداق جنایت علیه بشریت محسوب می شود. حقوقدانان اصرار داشتند، تنها کشتار تابستان ۶۷ مطابق با قوانین حقوقی موجود، جنایت علیه بشریت می شود. اما، کارزار معتقد بود، جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را از تابستان ۱۳۶۰ با اعدام های گسترده و دسته جمعی، بدون محاکمه و دادرسی عادلانه، بدون آنکه حق دفاع و وکیل به قربانیان اش بدهد، با اعمال شکنجه های وحشیانه در ابعاد وسیع جغرافیایی و سیاسی در زندان های سراسر ایران به قتل رساند. در واقع، کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ نقطه اوج اعدام های گسترده و دسته جمعی دهه شصت است. بعد از یک دوره طولانی بحث و گفتگو، حقوقدانان پذیرفتند که کشتار زندانیان سیاسی از سال ۱۳۶۰ آغاز و در سال ۱۳۶۷ مراحل تکمیلی خود را گذراند.

با گذشت زمان، مساله رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی، به ویژه درمیان جمع وسیعی از خانواده های جان باخته گان و جان بدربرندگان که درگیر این پروژه دادخواهی بودند و یا از آن حمایت کرده بودند، به یک امر ضروری و تاریخی تبدیل شده بود. اما، کارزار به رغم اینکه به تجارب و درک زیادی دست یافته بود، چشم انداز روشنی برای تلاش هایی که می کرد، نداشت. ترس از اینکه، این پروژه به دلایل زیادی به سرانجام نرسد، برای مدتی به بحث محوری در کارزار تبدیل شده بود. نگرانی بیشتر از این رو بود، که این تلاش نیز مانند تلاش های دیگری که در گذشته انجام شده بود و شماری از فعالان و همگامان کارزار نیز در آنها فعال بودند، به نتیجه نرسد و به یاس و ناامیدی حاکم در تبعید، به ویژه در میان خانواده ها که برای نخستین بار درگیر چنین پروژه سنگینی شده اند، بیافزاید. چنانچه این تلاش، این بار به شکست بیانجامد، جدای از ایجاد سرخوردگی، این نگرانی وجود دارد که این پرچم دادخواهی را جمع دیگری در دوران و عصر ما که شاهد این جنایت هولناک بوده است، به دلیل درگیری با زندگی و فعالیت های روزمره و عدم اولویت بخشیدن به چنین پروژه ای، فرصت بلند کردن این پرچم دادخواهی را

نخواهد داشت و بی هیچ تردیدی نسل های آینده نیز به آن نخواهند پرداخت. انگیزه این دادخواهی با گذشت زمان حتی در میان فرزندان جان باخته گان که بیشترین آسیب را دیده اند، کم رنگ شده است. لذا، حائز اهمیت بود تا همه جوانب کار، به ویژه توانائی جمع برای جذب زخم خوردگان خونین ترین دهه در تاریخ سی سال اخیر ایران و اجتماعی کردن این پروژه تاریخی، بررسی می شد.

از سوی دیگر، جمع متشکل در کارزار می دانست که این وزنه بسیار سنگینی است و احتمال اینکه در وسطه راه به ماند، زیاد است. این کار، با توجه به امکاناتی که جمع فاقد آن بود و می خواست با دست خالی آن را آغاز کند، برای موفقیت به چهار فاکتور نیاز داشت. یک، انگیزه و نهراسیدن از سختی کار. دو، پشتکار و از خودگذشتگی. سه، تعهد به اصل سازماندهی مستقیم توده ای فراگیر و محدود کردن فعالیت ها به سازماندهی دادگاه. چهار، استقلال کامل از دولت ها و سازمان های سیاسی و موسسات مالی وابسته به دولت ها و نهادهای بین المللی.

در این پنج سال، بسیاری در نیمه راه خسته و ناامید شدند و کنار رفتند، بسیاری به آن پیوستند و کارهای نیمه تمامی را که دیگران رها کرده بودند، به دست گرفتند.

کارزار، برای ادامه این پروژه مردمی، بیش از هر چیز دیگری، به یک تیم حقوقی متشکل از حقوقدانان مجرب و آشنا به حقوق بین الملل نیاز داشت. کارزار، برای تشکیل چنین تیمی، لازم بود ابتدا به سراغ آن دسته از حقوقدانان ایرانی می رفت که به قوانین حقوقی جهان شمول آشنا و در آن زمینه صاحب نام بودند و در عین حال با مساله کشتار زندانیان سیاسی آشنائی داشته و حاضر به همکاری داوطلبانه می بودند. فعالان کارزار، در ادامه تلاش های خود برای جذب چنین حقوقدان هائی، با کاوه شهروز و پیام اخوان تماس گرفتند و آنها را به همکاری دعوت کردند. هردو در زمینه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان شصت هفت مطالب و مقالات متعددی در نشریات دانشگاهی، مانند نشریه حقوقی دانشگاه هاروارد و برخی روزنامه های کانادائی به چاپ رسانده و کار تحقیقاتی در این زمینه کرده اند. با توجه به انگیزه قوی انسان دوستانه (امانیستی) و دفاع این دو حقوقدان از حقوق مردم ایران و مخالفت شان با اعدام و نقض حقوق مردم توسط حکومت ها و تقبیح کشتار زندانیان سیاسی و اطلاع رسانی در این مورد در خارج از جامعه ایرانیان، می توانستند همکاران مناسبی برای کارزار باشند. کاوه، عضو خانواده جان باخته گان است و یکی از نزدیک ترین اعضای خانواده اش در جریان کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت اعدام شده است.

با پیوستن این دو حقوقدان به این پروژه دادخواهی، کارزار تیمی تحت عنوان گروه کار بین الملل، متشکل از دو تن از اعضای کمیسیون، بابک عماد و داریوش افشار را مسئول تشکیل تیم بین المللی حقوقدانان کرد. آنها به فاصله چهارده ماه از ژانویه ۲۰۰۹ تا مارس ۲۰۱۰ با پنجاه حقوقدان تماس گرفتند. این حقوقدانان با حساسیت زیاد از میان بیش از صد حقوقدان از سی کشور انتخاب شده بودند. کارزار به دنبال حقوقدانان و همکارانی بود که دغدغه مردم داشته باشند و برای احقاق حقوق آنها فعالیت کنند. مستقل از دولت ها باشند و در حرفه خود نامدار و در جهان شناخته شده باشند و داوطلبانه بدون هیچ چشم داشت مالی با این پروژه دادخواهی همکاری کنند.

همزمان با تلاش هائی که برای تشکیل تیم حقوقی بین المللی انجام می شد، کارزار موفق شد طرح اولیه ایران تریبونال را تهیه و به تصویب برساند و پنج گروه کاری برای بررسی امکانات و توانائی های کارزار، در زمینه حقوقی و ترجمه، تبلیغات، تدارکات، مالی و هماهنگی سازماندهی کند.

گروه کار بین الملل، در سپتامبر ۲۰۱۰ موفق شد تیم حقوقی بین المللی کارزار ایران تریبونال را با شرکت پانزده حقوقدان ایرانی و حقوقدان سرشناس جهانی از کشورهای افریقای جنوبی، بلژیک، آلمان، کانادا، آمریکا و انگلیس سازماندهی و یک کنفرانس (تلفنی) بین المللی با حضور دوازده تن از آنها اول اکتبر ۲۰۱۰ برگزار کند. پیش از آن نیز، در یازده فوریه ۲۰۱۰، کنفرانسی با حضور بابک عماد، کاوه شهروز، پرفسور اریک دیوید از بلژیک و پرفسور نورمان باخ از آلمان برای تدوین پیش نویس روند و مراحل دادرسی برگزار شد. کنفرانس چارچوب و روند کار دادگاه را مورد بحث و بررسی قرار داد و کاوه را مسئول تهیه پیش نویس این طرح کرد. پیش نویس به فاصله یک ماه بعد از چند دور بحث و گفتگوی کارشناسانه آماده و برای تصویب در اختیار کارزار قرار گرفت. مجمع عمومی کارزار آن را به عنوان اولین سند حقوقی ایران تریبونال که برای نخستین بار در تاریخ، موازین یک دادگاه مردمی را متناسب با کشتار زندانیان سیاسی در ایران ترسیم می کند، به تصویب رساند و آن را در سایت منتشر کرد.

در کنفرانس اول اکتبر، سند حقوقی و نحوه سازماندهی و روند کار حقوقی دادگاه مورد بحث و بررسی حقوقدانان قرار گرفت. کنفرانس، پرفسور جان کوپر را که از قبل درخواست کارزار را برای ریاست تیم حقوقدانان ایران تریبونال، پذیرفته بود، به ریاست تیم حقوقی ایران تریبونال برگزید و وی را مسئول تشکیل تیم بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال و اساسنامه آن کرد. تهیه پیش نویس طرح اساسنامه و ضوابط کاری تیم بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال را یک تیم سه نفره متشکل از جان کوپر، حمید صبی و بابک عماد به عهده گرفتند و به مدت سه ماه در میان اعضای تیم بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال به بحث گذاشته شد.

نخستین نشست حقوقدانان عضو کمیته بین المللی راهبردی ایران تریبونال، ۵ فوریه ۲۰۱۱ با حضور جان کوپر، پرفسور اریک دیوید، پرفسور سر جفری نایس، پرفسور کادر اسمال، پرفسور ریچارد فالك، پرفسور پیام اخوان، دکتر نانسی هورماشیا و دکتر هدایت متین دفتری و اعضای کمیته اجرایی، حمید صبی، مینا سیگل، بابک عماد و نفیسه حسین، دستیار جان کوپر در دفتر وکالت جان کوپر در لندن برگزار شد. ریچارد فالك، کادر اسمال و پیام اخوان از طریق کنفرانس تلفنی در جلسه حضور یافتند. جلسه لندن، اساسنامه، ضوابط تشکیلاتی و عضویت اعضای کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال را مورد بررسی و تصویب قرارداد. کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال در این نشست رسماً تشکیل شد و از آن زمان به بعد، به طور میانگین هر یک ماه و یا هر یک ماه و نیم یک بار در لندن جلسه برگزار کرد. اکثریت اعضای کمیته راهبردی به دلیل گرفتاری های شغلی و

طولانی بودن مسافت به طور مرتب نمی توانستند به لندن سفر و با در جلسات شرکت کنند و عموماً از طریق کنفرانس تلفنی در جلسات شرکت می کردند. کادر اسما و ریچارد فالک هرگز فرصت سفر به لندن را نیافتند و همواره از طریق کنفرانس تلفنی و با اسکا پد در جلسات کمیته راهبردی شرکت می کردند. پیام اخوان نیز، جز در چند مورد، فرصت سفر به لندن و حضور در جلسات را نیافت.

کمیته راهبردی از پنج فوریه ۲۰۱۱ تا سه هفته پیش از برگزاری مرحله نخست دادگاه در لندن بتاريخ ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱، سند حقوقی کارزار را بازنگری کرد، نحوه برگزاری دادگاه را مورد بحث و بررسی قرار داد و به خواست مجمع عمومی کارزار، به ویژه خانواده ها، سندی منتشر کرد که براساس آن دادگاه در دو مرحله برگزار شود. دو مرحله ای شدن دادگاه، این فرصت را ایجاد می کرد شمار بیشتری از خانواده ها و جان بدربرندگان از کشتارهای دهه شصت شهادت دهند. کادر اسما، که تجربه کمیسیون حقیقت یاب آفریقای جنوبی را در کارنامه خود داشت، معتقد بود ایران تریبونال باید، به رغم اینکه جنایتی که جمهوری اسلامی در دهه شصت در زندان ها مرتکب شده، کاملاً روشن است و نیازی به حقیقت یابی ندارد، با اینحال ایران تریبونال برای محاکمه مردمی جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، لازم است به اسناد حقیقی و حقوقی که خود تولید می کند، تکیه کند. دو مرحله ای بودن به ما این فرصت را می دهد که شمار بیشتری از خانواده ها و جان بدربرندگان، صدای شان در جهان شنیده شود. از این رو، وی پیشنهاد کرد، مرحله نخست دادگاه به "حقیقت یابی" اختصاص یابد. پیشنهاد وی با استقبال برگزارکنندگان و تمامی اعضای کمیته راهبردی قرار گرفت و دو مرحله شدن دادگاه به تصویب کمیته راهبردی و مجمع عمومی کارزار رسید. بنا بر طرح پیشنهادی، قرار شد، در مرحله اول دادگاه، کمیسیون حقیقت یاب برگزار شود و در مرحله دوم براساس گزارش و اسنادی که کمیسیون منتشر می کند، جمهوری اسلامی محاکمه شود. در مرحله دوم، هجده تا بیست شاهد با ترکیب متفاوت شهادت خواهند داد.

کمیته راهبردی، نحوه و زمان و مدت برگزاری هر دو مرحله دادگاه را با توجه به امکانات کارزار در هماهنگی و مشورت با سایر بخش های کارزار مورد بررسی و تصویب قرار داد و قرار شد با توجه به امکانات و منابع محدود کارزار ایران تریبونال، به ویژه به لحاظ مالی، کمیسیون حقیقت یاب به مدت پنج روز در لندن برگزار شود. در این پنج روز، هشتاد تن از اعضای خانواده ها و جان بدربرندگان از کشتارهای دهه شصت، فرصت می یابند به نمایندگی از هزاران خانواده و هزاران زندانی سیاسی آن دهه، شهادت دهند. قرار شد، مرحله دوم به مدت سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در یکی از شهرهای لاهه یا استکهلم برگزار شود. این دو شهر، به ویژه لاهه، که به شهر دادگاه ها در جهان شهرت دارد و استکهلم محل برگزاری مرحله دوم دادگاه راسل بوده است، به لحاظ تبلیغی به موفقیت ایران تریبونال کمک خواهند کرد. در مسیر اقدام برای یافتن ساختمان مناسبی برای مرحله دوم دادگاه، گذر کارزار و فعالان آن به لاهه رسید.

مجموعه ای از گروه ها و شبکه های کاری توسط فعالان کارزار، که عموماً از اعضای خانواده ها و جان بدربرندگان هستند، به صورت جمعی و فردی در شهرها و کشورهای مختلف ایجاد شد. این مجموعه، فعالیت های دامنه داری را در زمینه های تبلیغی، اجرایی و جمع آوری کمک های مالی مردمی به اجرا در آورده است. به این مجموعه، باید هیتت هماهنگی و گروه سخنگویان کارزار، که تعداد آنها در دوره های مختلف با افزایش و کاهش فعالان کارزار و گروه های کشوری کار کارزار تغییر می کند، گروه کار تبلیغات سراسری، گروه کار مالی سراسری و گروه مدیا را اضافه کرد.

اعضای هیتت هماهنگی کارزار در حال حاضر بهروز پرتو(مسئول گروه کار کارزار در سوئد و فعال سیاسی)، اردوان زیرم(مسئول کارزار در کانادا و زندانی سیاسی سابق)، سحر محمدی(عضو خانواده جان باخته و مسئول گروه کارزار در آلمان)، لیلا قلعه بانی(عضو خانواده جان باخته)، بابک عماد(مسئول گروه کار بین المللی کارزار و زندانی سیاسی سابق)، پیوند باشکندی(زندانی سیاسی سابق)، رویا اشرف آبادی(مسئول کارزار در سوئیس و عضو خانواده جان باخته)، جمشید پایداری(مسئول گروه کار کارزار در انگلستان و زندانی سیاسی سابق)، بلوچ(مسئول گروه کار کارزار در دانمارک و فعال سیاسی) و نماینده گروه کار کارزار از نروژ.

گروه سخنگویان کارزار در حال حاضر عبارتند از: بهروز پرتو، پیوند باشکندی، سحر محمدی، اردوان زیرم، رویا اشرف آبادی، اکرم بیرام وند (زندانی سیاسی سابق و عضو خانواده جان باخته)، احمد موسوی(زندانی سیاسی سابق)، ایرج مصداقی(زندانی سیاسی سابق)، فرید دانشیان(زندانی سیاسی سابق)، لیلا قلعه بانی و یک نفر از گروه کار کارزار در انگلستان.

اعضای گروه سراسری تبلیغات کارزار در حال عبارتند از: نیما سروستانی(عضو خانواده جان باخته و مستند ساز)، سحر محمدی، مسعود جابری(عضو خانواده جان باخته و فعال سیاسی)، بهروز پرتو، سوسن گلمحمدی(عضو خانواده جان باخته و فعال سیاسی)، سوسن بهار(فعال حقوق کودکان)، مرصده قائدی(عضو خانواده جان باخته و زندانی سیاسی سابق)، مهدی معماریپور(زندانی سیاسی سابق و فعال اجتماعی)، علی دماوندی(عضو خانواده جان باخته و فعال سیاسی)، لیلا قلعه بانی، اردوان زیرم، خاطره معینی(عضو خانواده جان باخته)، ندا فرخ(کشنگر حقوق بشر)، فرشید آریان(فعال سیاسی و هنرمند تئاتر)، هدیه شمسی(عضو خانواده جان باخته)، اکرم بیرام وند، کاوه هلند(فعال سیاسی)، روزبه بیات (فعال سیاسی) و سامان دری.

اعضای گروه کار مالی کارزار در حال حاضر عبارتند از: کامبیز کافی(عضو خانواده جان باخته و فعال سیاسی)، ویدا رستم علیپور(عضو خانواده جان باخته)، بهرام محسنی(عضو خانواده جان باخته)، اصغر ارسنگ(فعال سیاسی)، امیر نیلو(فعال اجتماعی)جمشید پایداری(زندانی سیاسی سابق)، رویا اشرف آبادی(عضو خانواده جان باخته)، رویا رضائی(عضو خانواده جان باخته)، خاطره معینی(عضو خانواده جان باخته)، بلوچ(فعال سیاسی)، علی دوانی(فعال سیاسی)، روزبه بیات(فعال سیاسی)، لیلا قلعه بانی، بابک آذرخش(دانشجو و فعال سیاسی) و سحر

اعضای گروه مدیا عبارتند از: مریم چیتگر، نیما سروستانی، لئوو گیلیند، رحیم کریمی، سعید افشار، مصطفی هروی، علی دماوندی، بهزاد، مهدی معمارپور، امیر نیلو، سحر محمدی، هدیه شمسی و فرشید فانی. گروه مدیا بعد از مرحله اول دادگاه تشکیل شد. یک تیم ترجمه مرکب از داریوش افشار، پردیس شفافی، مارال شفافی، سارا خان، مریم چیتگر و علی حسینی با تیم مدیا برای ترجمه فیلمها همکاری می کند.

مجمع عمومی کارزار، به صورت جلسات داخلی هر دو هفته یا سه هفته یک بار برگزار می شود. در این جلسات، فعالیت های انجام گرفته مابین دو جلسه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و تصمیمات و سیاست های کلان کارزار در آن ها اتخاذ می شود. جلسات داخلی، مجمع عمومی فعالان و همگامان کارزار و بالاترین ارگان تصمیم گیری در کارزار است و هیئت هماهنگی هماهنگ کننده فعالیت های سراسری کارزار است. کارزار از بدو آغاز کار خود در سپتامبر ۲۰۰۷ تا تاریخ صدور این گزارش نود و یک جلسه داخلی(مجمع عمومی) برگزار کرده است.

کمیته بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال، نهاد حقوقی ایران تریبونال است و تصمیمات حقوقی و برنامه ریزی دادگاه را به عهده دارد. کمیته راهبردی، به منظور به اجرا در آوردن تصمیمات اش، یک کمیته اجرایی دارد که فعالیت های آن را با سایر گروه های کاری کارزار هماهنگ می کند. سازماندهی هر دو مرحله دادگاه را هیئت هماهنگی و کمیته اجرایی و تیم های تدارکاتی در محل که مرکب از فعالان و همگامان کارزار هستند مشترکا به عهده دارند. با پیوستن حمید صبی به کمیته راهبردی بعد از مرگ کادر اسما، تعداد اعضای کمیته راهبردی از هفت نفر به هشت نفر افزایش یافت.

کارزار تا مقطع گسترش فعالیت هایش و وارد شدن به عرصه عمل در نیمه دوم سال ۲۰۰۹، هزینه جدی و قابل تامل نداشت. با آغاز فعالیت های رسمی کارزار در نیمه دوم سال ۲۰۰۹، فعالان کارزار کلیه هزینه های محلی را متقبل شده و پرداخت کردند. اعضای گروه کار بین المللی کارزار، از مارس ۲۰۱۰ تا سپتامبر ۲۰۱۰ در ادامه تلاش های شان برای سازماندهی تیم بین المللی حقوقدانان ایران تریبونال، بیست سفر خارجی برای دیدار با حقوقدانانی که دعوت کارزار را پذیرفته و بدون چشم داشت مالی به این پروژه دادخواهی مردمی پیوسته بودند، انجام دادند، که تمامی هزینه های سفر را خود متقبل شده و پرداخت کرده اند. به این هزینه، باید هزینه سفر به لندن و رم را که پیش از آن برای دیدار با مسئولان دادگاه راسل انجام شده، اضافه کرد.

از مقطع شکل گیری تیم بین المللی حقوقدانان در سپتامبر ۲۰۱۰ تا مقطع برگزاری مرحله اول دادگاه در لندن در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۲، اعضای گروه کار بین المللی کارزار و شماری از اعضای کمیته بین المللی راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال برای حضور در جلسات کمیته راهبردی در لندن و دیدارهای تدارکاتی، سی و پنج سفر داخلی و خارجی انجام دادند. هزینه سفر و هتل حقوقدانان را کارزار پرداخت کرده و هزینه سفر اعضای گروه کار بین المللی کارزار را خود آنها پرداخت کرده اند. نانسی هورماشیا و هدایت متین دفتری از اعضای کمیته راهبردی، برای شرکت در جلسات کمیته و حضور در مرحله اول دادگاه هزینه سفرهای خود به لندن را پرداخت کرده اند. تهیه و تدارک محل اقامت نانسی با کارزار بوده و هدایت برای شرکت در جلسات کمیته راهبردی و هم چنین مرحله اول دادگاه در نزد اقوامش در لندن به سر برده است. سر جفری ناپس و بیشتر اعضای کمیته اجرایی بجز مینا سیگل که تنها یک بار و آنهم با هزینه خود به لندن سفر کرد، در لندن مقیم هستند و هزینه سفر و هتل نداشته اند. جان کوپر جز در مواردی که ناچار شد کار خود را در شهرستان تعطیل و برای شرکت در جلسات کمیته راهبردی به لندن سفر و در هتل اقامت کند، برای کارزار هزینه نداشتند.

به دعوت کمیته راهبردی حقوقدانان ایران تریبونال، خانم ها لویز اسما و آنه بوری، پرفسور اریک دیوید، پرفسور ویلیام شیباز، پرفسور دانیل ترپ و پرفسور موریس کوپیتورن عضویت کمیسیون حقیقت یاب در لندن را پذیرفتند. کمیسیونرها از میان خود، موریس کوپیتورن را بریاست دادگاه مرحله اول انتخاب کردند. اعضای کمیسیون برای آشنایی و هماهنگی کارهای شان و انتخاب رئیس دادگاه، دو کنفرانس تلفنی پیش از برگزاری مرحله اول دادگاه برگزار کردند. هزینه سفر و هتل و رفت و آمد و غذای کمیسیونرها، به استثنای ویلیام شیباز و آنه بوری که در لندن اقامت دارند و نیاز به سفر و هتل برای حضور در مرحله اول دادگاه در لندن نداشتند، هزینه بقیه را کارزار ایران تریبونال پرداخت کرده است. اعضای کمیته اجرایی، به طور مرتب، به صورت حضوری یا از طریق کنفرانس تلفنی در تمامی جلسات کمیته راهبردی که در لندن تشکیل شد، شرکت کردند.

حمید صبی در مرحله اول دادگاه در لندن، مشاور کمیسیون حقیقت یاب بود و دو همکار جوان اش، ایلون اصلان لوی و نفیسه حسین، هر دو دانشجوی حقوق، منشی دادگاه بودند. پانزده دانشجوی حقوق دانشگاه کالج لندن مرکب از آنیه بگوم، آنا فیلیپوا، پنجامین ایرن، فرانسیسکا گیچ، جیلیان مک کال، ژیاگو خسی، نغمه التورهائی، بگه تمکین فرد، سعد کریم، سندب چانا، سونیا ماشیانا، تارا صبی، والناتیا امیلویچی، زینب حرب، امیر کنجا و کسرا ساریخانی داوطلبانه همراه با فعالان کارزار امور اجرایی، تدارکاتی، نت برداری و فنی را در محل دادگاه به عهده داشتند.

اکثریت قریب به اتفاق شاهدان مرحله اول دادگاه هزینه سفر خود را به لندن پرداخت کرده اند. کارزار ایران تریبونال تنها هزینه سفر شش تن از شاهدان با هواپیمای رایان ایر و در پنج مورد هزینه هتل پرداخت کرده است. اکثریت شاهدان در ایام دادگاه در نزد دوستان و آشنایان و فعالان و همگامان کارزار ساکن بودند و یا اگر در هتل اقامت کردند هزینه هتل را خود پرداخت کردند. تمامی شاهدان، چه خانواده ها و چه زندانیان سیاسی، از فعالان و همگامان و حامیان کارزار ایران تریبونال هستند. همه، تمام این سال ها به هرمقدرا برای شان ممکن بوده است به پیشرفت فعالیت ها و برگزاری دادگاه کمک کرده اند و با تلاش جمعی و پرداخت بخش وسیعی از هزینه های کارزار، فصل مهمی به مبارزات مردم ایران افزودند و تاریخی را نوشتند که پیش از آن کسی قادر به انجامش نبوده است. به

نوعی از سازماندهی توده ای دست زدند، که جز در موارد ترجمه همزمان (دو مترجم حرفه ای مباحث دادگاه را همزمان ترجمه می کردند) در دادگاه، تمامی فعالیت ها داوطلبانه انجام گرفته و همه به طور مستقیم در تصمیم گیری ها و پیشبرد کارها شرکت داشته اند. در واقع این نوع سازماندهی توده ای، بدون سانترالیزم یا سیاست و مرزهای مشخص و روشن یک کار دمکراتیک توده ای، با دخالت مستقیم زخم خوردگان نظام سرکوبگر حاکم بر ایران که بخشی از سیستم نابرابر و ناعادلانه حاکم بر جهان است و با کمک قدرت های فلدورمنش، که به خود اجازه می دهند در امور داخلی مردم در کشورهای دیگر دخالت کنند، به قدرت رسید، به اجرا در آمده است. از این رو، محاکمه جمهوری اسلامی، محاکمه تمامی متجاوزان به حقوق مردم در جهان است.

کارزار ایران تریبونال، درست از روزی که اقدام به جمع آوری کمک مالی مردمی برای تامین هزینه های دادگاه کرد، کمک های مالی را در پایان هر ماه در وب سایت خود، منتشر نمود.

جدول بندی زیر مجموعه هزینه ها و دریافتی کارزار ایران تریبونال تا مقطع برگزاری مرحله اول دادگاه در لندن را نشان می دهد.

هزینه:

- هزینه بروشور و سرنامه و وب سایت و ثبت کارزار و هزینه های متفرقه تا مقطع برگزاری مرحله اول دادگاه: ۲۹۷۶/۵۹ یورو
- هزینه سفر اعضای کمیته راهبردی حقوقدانان از پنج فوریه ۲۰۱۱ تا مقطع برگزاری مرحله اول دادگاه در لندن: ۲۸۸۷/۹۲ یورو
- هزینه هتل اعضای کمیته راهبردی حقوقدانان از پنج فوریه ۲۰۱۱ تا مقطع برگزاری مرحله اول دادگاه در لندن: ۲۸۹۶/۸۱ یورو
- هزینه ایاب و زهاب اعضای کمیته راهبردی و دو تن از اعضای کمیته اجرائی در ایام جلسات کمیته راهبردی در لندن: ۴۴۱/۲۵ یورو
- هزینه غذای اعضای کمیته راهبردی و اعضای کمیته اجرائی در ایام جلسات کمیته راهبردی در لندن: ۱۲۸۶/۳۲ یورو
- هزینه سفراعضای کمیسیون حقیقت یاب و دو تن از اعضای کمیته راهبردی برای شرکت در مرحله اول دادگاه در لندن: ۱۸۳۰۹/۲۴ یورو
- هزینه هتل اعضای کمیسیون حقیقت یاب و دو تن از اعضای کمیته راهبردی و یکی از مترجمان برای شرکت در مرحله اول دادگاه در لندن: ۱۱۶۳۹/۷۸ یورو
- هزینه سفر شنش شاهد و یک عضو مستند ساز کارزار برای شرکت در مرحله اول دادگاه در لندن: ۲۲۵۶/۴۷ یورو
- هزینه هتل پنج تن از شاهدان و اعضای تیم فیلمبرداری برای شرکت در مرحله اول دادگاه در لندن: ۹۶۶/۸۷ یورو
- هزینه ایاب و زهاب درون شهری اعضای کمیسیون، دو عضو کمیته راهبردی، یک مترجم و جمعی از شاهدان در ایام جلسات مرحله اول دادگاه در لندن به فاصله ۱۷ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲: ۲۸۲۴/۴۵ یورو
- هزینه غذا، چای و قهوه در ایام جلسات مرحله اول دادگاه در لندن به فاصله ۱۷ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۲: ۲۴۱۱/۹۹ یورو
- هزینه دستمزد دو مترجم و اجاره اتاق ترجمه: ۱۰۳۹۱/۲۸ یورو
- هزینه سالن دادگاه و دو مامور حفاظتی و تبلیغات: ۱۰۳۸۵ یورو
- هزینه های جانبی (پوستر، قاپ، تابلو، پارچه، فیلم، تخته و...) برای مرحله اول دادگاه در لندن: ۳۰۴۶/۸۲ یورو

کل هزینه: ۷۶۸۲۰/۷۹ یورو

کل کمک های مالی تا آخر ژوئیه ۲۰۱۲: ۱۰۵۲۰۰ یورو
موجودی در حسابهای کارزار: ۲۸۲۷۹/۲۱ یورو
لیست کمک های مالی در لینک زیر موجود است.

<http://www.irantribunal.com/ASNAD/komak-mali.html>

تاریخ انتشار: ۳۰ اوت ۲۰۱۲ برابر با ۹ شهریور ۱۳۹۱

کارزار ایران تریبونال